

داستان

دو

بانک



نریمان ایلخانی



چندی پیش در روزنامه خواندیم که در بانک صادرات ایران سوءاستفاده‌ای رخ داده است. در پی این امر دادگاهی برای رسیدگی به جرائم رخ داده تشکیل شد و رسیدگی‌های لازم صورت پذیرفت و به صدور حکم انجامید.

در خلال همین زمان در یک بانک انگلیسی هم سوءاستفاده‌ای رخ داد. واضح است که نمی‌توان انتظار داشت تمامی جزئیات این دو مورد برای عموم روشن شده باشد و تنها براساس مطالبی که در جراید درج شده است و جست و گریخته از آنها مطلع شدیم به انعکاس این مطالب می‌پردازیم. این دو مسئله از برخی جنبه‌ها باهم شباهت دارند و از برخی جنبه‌ها نیز کاملاً در تضادند. علت اینکه این دو بانک باهم مقایسه شده‌اند نه به دلیل شباهت آنها به یکدیگر است و نه به دلیل مسائلی است که با آن دست به گریبانند. بلکه مسائل دیگری مد نظر است.

بروز سوءاستفاده و ایجاد اشکال در سازمانها و تشکیلات مسئله جدیدی نیست و نخواهد بود. از دید هر حسابرس همیشه بروز سوءجریانات و رشدهای نادرست در تشکیلات مورد رسیدگی محتمل است. یعنی بهترین سیستم کنترل‌های داخلی هم نمی‌تواند از بروز این قبیل مسائل جلوگیری کند، بلکه تنها می‌تواند امکان رخ دادن آن را کاهش دهد. در هر حسابرسی هم نمی‌توان اطمینان داشت که می‌شود به تمامی سوءاستفاده‌ها و سوء جریانات احتمالی دست یافت. مع‌هذا در هر حسابرسی خوب امکان اینکه این قبیل موارد آشکار شود افزایش می‌یابد. بنابراین بحث پیرامون این گونه مسائل و موشکافی هرچه بیشتر آن باعث می‌شود که بتوان آگاهانه‌تر نسبت به موقعیت واحدها و سازمانهای مورد بررسی قضاوت کرد. از این گونه مسائل می‌توان درس گرفت و در زمان حسابرسی به عنوان معیار آنها را در نظر گرفت و هم اینکه هنگام طراحی سیستم حسابداری برای هر بانک از آن استفاده کرد تا چنان سیستمی طراحی شود که در آن احتمال بروز چنین مسائلی کاهش یابد. بنابراین چنانکه گفته شد از مطالعه این جریانات بسیار می‌توان آموخت.

معرفی بانکها

دو بانکی که می‌خواهیم مطالعه کنیم از بسیاری جنبه‌ها باهم شباهت و در خیلی از موارد باهم اختلافات دارند. بانک انگلیسی برینگ یکی از بانکهای بسیار قدیمی آن کشور است (و شاید قدیمیترین بانک باشد). قدمت این بانک به اواخر قرن هفدهم باز می‌گردد. به همین علت همواره سعی داشته است که اعتبار و حیثیت خود را حفظ کند.

در مقابل آن بانک صادرات، چندان قدیمی نیست. اگرچه از زمان تاسیس آن سالها می‌گذرد ولی بانکهای دیگری هستند که پیشینه بیشتری داشته‌اند اما بانک صادرات البته در زمینه دیگری سابقه داشته است. این بانک با هدف ارائه خدمات بانکی به عموم مردم تشکیل شد. در این ارتباط شعبه‌های زیادی در پهنه کشور تأسیس کرد. این شعبه‌ها با حداقل امکانات به فعالیت پرداختند و از این جهت توانستند اعتماد مردم را جلب کنند و با انباشتن سپرده‌های کوچک مردم اقدام به سرمایه‌گذاری و اعطای وام به مشتریان خود کردند. بانک صادرات در عمل این بخش از بازار را هدف قرار داده است. از جمله اقدامات دیگر و هدفهای اصلی و اولیه بانک نقل و انتقال سریع پول بوده است. این سرویس نیز که برای بسیاری از تجار بالارزش است برای بانک وجهه مناسبی کسب کرده است. حجم و شمار شعبه‌های بانک صادرات از سایر بانکها به مراتب بیشتر بوده و هست. یعنی در بسیاری از نقاط کشور شعبه دارد. هیچ‌یک از بانکهای دیگر ایران از این لحاظ درخور مقایسه با بانک صادرات نیستند. بانک ملی ایران از جمله بانکهایی است که شعبه‌های فراوانی دارد اما تعداد شعبه‌های آن در سطح دوسوم بانک صادرات است. پس از انقلاب که تعداد زیادی از بانکها در یکدیگر ادغام شدند بازهم بانکهای جدید در حد بانک صادرات شعبه ندارند. پس از انقلاب شعبه‌های استانی بانک صادرات بانکهای استان را تشکیل دادند که در ابتدا مستقل از بانک صادرات فعالیت می‌کردند، اما در حال حاضر تمام بانکهای استان زیرنظر بانک صادرات قرار دارند و بانک

صادرات و بانکهای استان مجموعه واحدی را تشکیل می‌دهند.

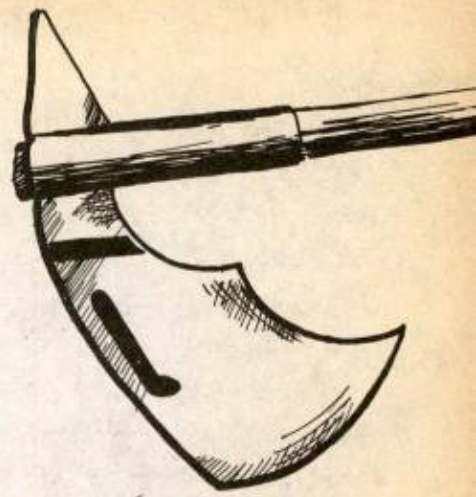
بانک برینگ مانند بانک صادرات فراگیر نیست بلکه بانکی تخصصی است. در کشور انگلستان تنها چهار بانک هستند که شعبه‌های متعدد و پراکنده و شبکه بانکی گسترده‌ای دارند و بانک برینگ از جمله آنها نیست. البته دلیلی ندارد که این بانک مثل آنها فعالیت نکند یعنی می‌تواند برای اشخاص افتتاح حساب و دسته چک صادر کند در عین حال هدف اصلی این بانک ارائه خدماتی این چنین نبوده است و بیشتر به عملیاتی از قبیل سرمایه‌گذاری، اعطای وام، گشایش اعتبار اسنادی و غیره پرداخته است. البته بسیاری از موسسه‌ها و شرکتها صرفاً به دلیل پیشینه این بانک و اعتباری که دارد نسبت به استفاده از خدمات آن تمایل نشان داده‌اند.

نحوه سوء جریان

سوءجریانی که در این دو بانک رخ داده بسیار متفاوت است. اگرچه نه در مورد بانک صادرات و نه در مورد بانک برینگ نمی‌توان انتظار داشت که همه مسائل از لایلای ستونهای جراید افشاء شود اما آنچه که در افواه وجود دارد معروف دو نوع عمل متفاوت است. البته در کنار سوء جریان اصلی که در جراید مطرح شده ممکن است جریانهای دیگری هم باشد اما برای آنکه بتوانیم آنها را به طور منسجم مقایسه و نتیجه‌گیری کنیم تنها به اشکال اصلی می‌پردازیم. سوءجریانی که در بانک صادرات رخ داده به طور خلاصه این‌گونه بوده است که در پی صدور چکهای بلامحل نسبت به خروج وجه از بانک اقدام کرده‌اند. یا از محل چکهای بلامحل چکهای بانکی صادر و در شعبه‌های دیگر خرج می‌شده است. این کار یعنی خروج وجه چکهای بلامحل از بانک تنها چند روز ادامه داشته و بعد از آن جایگزین می‌شده است. این جایگزینی یا از طریق وجه نقد و یا از طریق واریز چک بانکی دیگری به حساب بانک صورت گرفته است. مع‌هذا در مقاطعی حجم چند میلیارد تومانی از

پول بانک به این ترتیب خارج شده است و در نهایت حدود ۶ میلیارد تومان سوءاستفاده شده و وجه بانک به این میزان وصول نشده باقی مانده است. نکته جالب توجه این است که معمولاً استفاده از مبلغی چشمگیر در طول مدتی کوتاه بسیار مشکل است و این پول باید صرف عملی شود که در کوتاهمدت بازده درخور توجه‌ای داشته باشد مثلاً در زمانی که به وسیله بانکها ارزش فروخته می‌شد، بنا بر این مبلغ مقادیری ارزش خریداری شده و سپس بلافاصله به فروش رفته باشد تا هم سودی عاید شود و هم اینکه اصل وجه برداشت شده در مدتی کوتاه به بانک بازگردانیده شود.

در مورد بانک برینگ مسئله بسیار متفاوت است. شعبه این بانک در سنگاپور از رشد بورسهای خاور دور و بازارهای مالی و معاملاتی آن نواحی استفاده می‌کرده است. چرا که بورسهای خاور دور نسبت به بورسهای اروپایی و آمریکایی از رشد به مراتب بهتری برخوردار بوده است. به طور مثال بورس کشور خودمان یکی از بالاترین رشد قیمت سهام را در حال حاضر شاهد بوده است. حال اگر یک سرمایه‌گذار اروپایی که به حداکثر فرضاً ۱۰ درصد رشد در بازارهای آن نقاط عادت داشته، از امکانات بورس تهران برخوردار شود (که در آن در بسیاری از اوقات ارزش سهام شرکتها در یک دوره فرضاً ۵ ساله ۱۰ برابر شده است) حتی پس از تعدیل ناشی از افت ارزش ریال نسبت به سایر ارزها، بازهم تمایل خواهد داشت که در این بازار سرمایه‌گذاری کند. به این دلیل بسیاری از مؤسسات پولی و سرمایه‌گذاری اروپایی بویژه انگلیسی در بورسهای آسیایی سرمایه‌گذاری کرده‌اند و این امر تا حدودی کمک کرده است سرمایه‌گذاران غربی از رشد اقتصادی این منطقه استفاده کنند و ضمن آنکه در این اقتصاد سرمایه‌گذاری می‌کنند باعث شکوفایی اقتصاد آنها می‌شوند و منافع خود را نیز حفظ می‌کنند. در مجموع این امر هم برای اقتصاد منطقه مفید بوده و هم باعث شده است سرمایه‌گذاران غربی منافع بیشتری کسب کنند. فی‌نفسه این مسئله



باعث شده است که سرمایه‌گذاران غربی به بازارهای معاملاتی شرق علاقمند شوند. در بازارهای سرمایه خرید و فروش سهام فقط به شکلی که در بازار بورس تهران عمل می‌شود نیست. در این قبیل بازارها معاملات سهام به گونه‌های متفاوتی صورت می‌گیرد، از جمله این که هر فرد می‌تواند سهامی را که مالک آن نیست به فروش رساند و یا معاملاتی را در تاریخی در زمان آینده انجام دهد. مثلاً یک محموله نفت را برای سه ماه دیگر خریداری کند و یا مبالغی ارز را به تاریخ سررسید یکی از قسطهای خود خریداری کند. در این قبیل موارد حجم نقدینگی که باید در ابتدا پرداخت شود معمولاً زیاد نیست، یعنی فرض کنید می‌خواهیم ۲ میلیون دلار را در ۶ ماه بعد خریداری کنیم در این حالت فروشنده صد درصد مبلغ را در ابتدا طلب نمی‌کند بلکه فرضاً به ۱۰ درصد مبلغ بسنده می‌کند اما در مورد نرخ خرید و فروش از ابتدا به توافق می‌رسند. چنانچه در زمان سررسید این معامله صورت نگیرد یعنی خریدار از پرداخت مابقی ۹۰ درصد استنکاف ورزد چیزی به وی پرداخت نخواهد شد و ۱۰ درصد پرداخت شده عملاً ضبط می‌شود و یا آنکه خریدار طبق قانون ملزم می‌شود سهام یا کالا و یا ارز خریداری شده را به تملک خود درآورد.

اتفاق دیگری که ممکن است رخ دهد فروش سهامی است که هنوز خریداری نشده است. به این ترتیب که مثلاً آقای الف توافق کرده است سهام شرکت ایکس را دوماه دیگر به آقای ب بفروشد در صورتی که هنوز خود نتوانسته آنرا خریداری کند و در عین حال با آقای جیم هم قرار می‌گذارد که دو ماه دیگر سهام شرکت ایکس را به همان میزان که آقای ب می‌خواهد، خریداری

کند. اگر فرضاً ۱۰ درصد ارزش سهام در هنگام شروع هریک از این معاملات قابل پرداخت باشد، آقای الف می‌تواند براساس پولی که از آقای ب می‌گیرد بدهی خود را بابت خرید به آقای جیم بپردازد و در این میان احتمالاً مبلغی سود هم به دست آورد. چنانچه انتظار این باشد که قیمت‌ها رو به افزایش است، آقای الف ترجیح خواهد داد فرضاً پیش خرید را امروز انجام دهد (با قیمت‌های فعلی) و فقط ۱۰ درصد بهای معامله را بپردازد و سپس دو ماه دیگر که بنا به فرض سهام را تحویل می‌گیرد به طور نقد آن را به فروش رساند و در این میان از افزایش قیمت‌ها نیز در این مدت بهره‌مند شود. پس در این حالت پیش‌خریدی که شده در مقابل آن پیش‌فروش صورت نگرفته و ممکن است هرگز صورت نگیرد. امر خرید سهام ممکن است از منابع داخلی تأمین شود و یا برای آن وام گرفته شود. در ایران هم این رایج است که کسانی وام گرفته و با آن تعدادی سهم می‌خرند و پس از افزایش قیمت سهام آن را می‌فروشند و اصل و فرع دیون خود را جبران کرده و مازادی هم برای آنان باقی می‌ماند. حال چنانچه این امکان وجود داشته باشد که با پرداخت فرضاً ۱۰ درصد بتوان سهامی را پیش خرید کرد خریدار قادر خواهد بود تا ده برابر میزانی که وام می‌تواند بگیرد خرید کند و در سررسید اصل سهام را بفروشد و از مابه‌التفاوت وجوه دریافتی و اصل و فرع وام منتفع شود.

به این ترتیب هر فرد می‌تواند با سرمایه‌گذاری اندک، سهام چشمگیری را تعهد و در آینده خریداری کند. اگر این سهام در آینده ارزش خود را از دست بدهند در آن صورت یا خریدار باید انصراف دهد که در آن صورت پیش پرداخت خرید سهام از بین می‌رود و یا آنکه باید باقیمانده مبلغ را پرداخت کند و عملاً سهامی که ارزش آن از دست رفته است را به قیمت پالانتری خریداری کند. بعضی اشخاص ممکن است بنا به دلایلی به چنین امری اقدام کنند. ممکن است برای حیثیت و اعتبار آنان بد باشد که از انجام معامله خرید سهام استنکاف ورزند و یا ممکن است به موجب قرارداد مجبور باشند که در هر

صورت سهام را خریداری کنند. همچنین چنانچه به خرید سهام اقدام کردند می‌توانند سهام خریداری شده را به قیمت تمام شده ثبت کنند. در صورتی که اگر از خرید سهام خودداری کنند مجبور خواهند بود زیان آن را بلافاصله شناسایی نمایند. بعلاوه امکان دارد سهام را خریداری کنند تا به شخص ثالثی بفروشند ولی بلافاصله پس از خرید سهام شخص ثالث از خرید آن استنکاف ورزد. همه این عوامل و مسائلی این چنین باعث شد که در نهایت به میزان ۷۵۰ میلیون پوند زیان در شعبه سنگاپور بانک برینگ گزارش شود.

علت این امر در درجه اول کاهش سریع ارزش سهام در آسیای شرقی بوده است. یعنی در جایی که انتظار می‌رفت رشد ارزش سهام سریع باشد کاهش سریع ارزش به وجود آمد. دلیل کاهش ارزش سهام را می‌توان در افزایش ارزش یمن نسبت به دلار و نیز زلزله در کوبه ژاپن جستجو کرد. اصولاً افزایش ارزش پول در هر کشور همواره با فشارهای اقتصادی بر صنایع آن کشور همراه است یعنی در پی افزایش ارزش پول توان صادراتی کاهش می‌یابد و این باعث می‌شود قیمت تمام شده تولیدات افزایش یابد. بنابراین سودآوری شرکتها و به تبع آن سود سهامی که می‌توانند بپردازند کاسته خواهد شد و کاهش در سودآوری سهام هم از ارزش سهام در بورس می‌کاهد. چون اقتصاد کشورهای آسیای شرقی با ژاپن پیوند تنگاتنگی دارند، کاهش ارزش سهام در ژاپن و انتظار رکود اقتصادی در آن کشور باعث شد ارزش سهامی که در بازارهای آسیای شرقی معامله می‌شد کاهش یابد. زلزله در کوبه ژاپن نیز بر روی ارزش سهام شرکت‌های آن کشور که در بورس معامله می‌شد تأثیر منفی داشته است. اگر افزایش ارزش یمن در مقابل دلار باعث شد که ارزش سهام شرکت‌های ژاپنی در بورس بتدریج کاهش یابد، وقوع زلزله در کوبه باعث شد که ارزش سهام بسرعت افت کند.

مسائلی که در بالا عنوان شد را شاید نتوان دقیقاً شبیه مسائلی دانست که در بانک صادرات و یا بانک برینگ رخ داده است. در مورد بانک صادرات چون عاملان آن محاکمه شده‌اند، از

محتوای محاکمه آنان آن طور که در جراید عنوان شده است مسئله خروج وجه و یا اگر بهتر گفته شود صدور چک بانکی در مقابل چک عادی بلامحل، قلب مسئله بوده است. اما در مورد بانک برینگ دسترسی به تمامی جزئیات ممکن نبوده است زیرا اولاً چون محاکمه‌ای صورت نگرفته و تاکنون دست اندرکار آن برای محاکمه تحویل نشده است جزئیات مطلب روشن نیست. همچنین دسترسی به نشریات خارجی در این مورد نیز به طور کامل و اغناکننده ممکن نبوده است.

واکنش کنترل‌های داخلی

اصولاً مدیریت هر دستگاه برای آنکه از رخدادهای نادرست و پیشبینی نشده جلوگیری کند، باید سیستمی را در آن تشکیلات پایه‌ریزی کند که کار هر فرد مکمل کار دیگری باشد و با عملکرد هر فرد به وسیله فردی دیگر کنترل شود تا از داراییهای تشکیلات حفاظت و از جریانات نادرست جلوگیری کند و... به چنین مجموعه‌ای سیستم کنترل‌های داخلی اطلاق می‌شود. سیستمهای داخلی هر مجموعه بزرگ معمولاً پیچیده است و باید بسیار منضبط باشد. در تشکیلات کوچک معمولاً مدیران در جریان امور روزمره قرار دارند و اگر چه کنترل‌های داخلی ضعیفتر است اما به دلیل درگیر بودن مدیریت در اغلب مسائل آن تشکیلات، گردش و جریان کارها می‌تواند بدرستی صورت پذیرد.

هم بانک صادرات و هم بانک برینگ دارای آن چنان تشکیلات وسیعی بوده‌اند که در آن کنترل‌های داخلی باید به نحو مطلوب عمل می‌کرد. اگر چه کنترل‌های داخلی فی‌نفسه نمی‌توانند از بروز سوءاستفاده و مدیریت غلط و یا تبانی بین افراد مختلف جلوگیری کند مع‌هذا احتمال وقوع آن را تا حد امکان می‌تواند کاهش دهد و یا در صورت وقوع، شرایطی را ایجاد کند که سیستم جریانات نادرست را افشا کرده و آشکار سازد. ولی این مهم نه در بانک صادرات و نه در بانک برینگ رخ نداده است.

دلیل اینکه کنترل‌های داخلی در بانک برینگ

نتوانسته است بدرستی و در زمان وقوع، واکنش مناسب نشان دهد کاهش و صرفه‌جویی در به‌کارگیری کارکنان بویژه در شعبه سنگاپور عنوان شده است. واضح است ایجاد سیستم کنترل‌های داخلی مناسب ممکن است پر هزینه باشد و حتی در پاره‌ای از اوقات هزینه بالای ایجاد چنین سیستمی از مزایای احتمالی اقتصادی آن افزون‌تر شود. در گذشته بانک صادرات با همین تر فعالیت می‌کرده به گونه‌ای که شعبه‌های آن از حداقل امکانات برخوردار بوده‌اند. کارکنان کمی داشتند و در مقابل نقدینگی اندکی هم در شعبه‌های کوچک وجود داشت. بنابراین هرگونه سوءاستفاده احتمالی در شعبه‌ها به دلیل حجم کم نقدینگی شعبه محدود بوده و در مجموع به دلیل فواید اقتصادی که شعبه‌های کوچک با کارکنان کم برای بانک داشت این گونه سوءاستفاده‌های احتمالی توجیه می‌شد. در پهنه رقابتی دنیای امروز، بانکها برای آنکه اقتصادی عمل کنند مجبورند هزینه‌های خود را به حداقل برسانند و در استفاده از کارکنان و نیروی انسانی به حداقل ممکن بسنده کنند. این روش در شعبه سنگاپور آن بانک هم به کار گرفته شده است و کارکنان آن به اندازه‌ای کم بوده‌اند که عملیات روزمره و جاری بانکی کنترل مجدد نمی‌شده است. این مهم بارها توسط رئیس آن شعبه که اکنون متهم به سوءاستفاده است به مقامات مرکز تذکر داده شده بود اما ترتیب اثری به آن داده نمی‌شده است. بنابراین ضعف در عملیات جاری چون به طور روزمره کنترل نداشته تنها زمانی آشکار شده که امکان کنترل آن دیگر ممکن نبوده است.

بانکها و به‌طور کلی نهادهایی که به معاملات سهام اشتغال دارند باید همواره سعی کنند که در مجموع ریسک عملیاتی خود را کاهش دهند و یا آن را پخش کنند مثلاً نباید صرفاً روی یک رشته معین سرمایه‌گذاری کنند و اگر در منطقه جغرافیایی خاصی فعالیت دارند فعالیت‌های خود را نباید به یک نوع عملیات محدود سازند. ظاهراً شکل کار در شعبه سنگاپور بانک برینگ چنین نبوده است و این دلیلی نداشته جز انتظار

مقامات بانک در سنگاپور که چنانچه سرمایه‌گذاری هنگفتی بشود سود چشمگیری بازیافت خواهد شد. همچنین مقامات آن بانک نسبت به وضعیت سهام خریداری شده و یا تعهد شده اشراف دقیقی نداشته‌اند تا بتوانند قبل از وقوع هرگونه کاهش سریع ارزش سهام واکنش مطلوبی نشان دهند. دلیل آن هم علی‌الاصول اعتماد بیش از اندازه و بی‌مورد نسبت به کارایی و احساس مسئولیت مدیر شعبه مذکور بوده است.

در رابطه با ضعف کنترل‌های داخلی و یا کارا نبودن آن در بانک صادرات مسئله به گونه‌ای دیگر بوده است. مطمئناً چنانچه هر چک عادی بخواهد تامین موجودی شود و در مقابل آن چک بانکی صادر شود و یا آنکه چک عادی چک بانکی تلقی شود معمولاً به یک سیکل عملیاتی که در آن دو یا سه نفر نقش دارند نیاز است. این امر به این دلیل است که برای تأیید اینکه یک چک با محل است یا یک چک عادی بانکی است، باید افراد متعددی به آن صحه‌گذارند تا در نهایت صندوقدار نسبت به پرداخت وجه آن اقدام کند. برای این منظور در سطح شعبه‌ها کنترل‌هایی اعمال می‌شود که از پرداخت وجه چک بلامحل خودداری شده و یا چک بانکی تنها پس از حصول اطمینان پرداخت شود. البته همواره ممکن است در اثر نادرستی یکی از کارکنان شعبه‌های بانک و نیز سهل‌انگاری و ساده‌اندیشی و یا حتی تبانی مسئولان بالاتر در شعبه بانکها سوءجریانهایی به وقوع بپیوندد در این حالت انتظار می‌رود که سیستم کنترل شعبه‌های بانک بتوانند بموقع واکنش نشان دهد.

این سیستم کنترلی هم باید قادر باشد اشتباهات ناچیز را بیرون براند و هم اینکه سرعت نسبت به سوء جریانات احتمالی واکنش نشان دهد.

بانکها در پایان هر روز جمع عملیات روزانه را مدون می‌کنند. در این ارتباط چنانچه ارقام درشتی به نادرستی در حساب منظور شده باشد احتمالاً بیرون زده می‌شود. در پایان ماه عملیات ماهانه شعبه برای مرکز و نواحی ارسال می‌شود. چنانچه در پایان ماه چکهای بلامحل درخور

اصولاً مدیریت هر دستگاه برای آنکه از رخدادهای نادرست و پیشبینی نشده جلوگیری کند، باید سیستمی را در آن تشکیلات پایه‌ریزی کند که کار هر فرد مکمل کار دیگری باشد و یا عملکرد هر فرد به وسیله فردی دیگر کنترل شود تا از دارایی‌های تشکیلات حفاظت و از جریانات نادرست جلوگیری کند.

توجهی وجود داشته باشد که پرداخت شده‌اند با بررسی صورتهای شعبه در مرکز، این اقلام علی‌الاصول باید بیرون زده شوند. بازرسان بانک به طور منظم عملکرد شعبه‌ها را رسیدگی می‌کنند، در این صورت مغایرتها و سوء جریانها باید مطرح شود. در پایان سال نیز چنانچه این اقلام بازمانده باشند در صورتهای مالی باید توجه مسئولان را به خود معطوف کنند.

با این همه اولاً تورم بالا باعث شده است که اعداد و ارقام درشت اهمیت خود را از دست بدهند و در میان آنها گم شوند. ثانیاً دو مسئله دیگر هم وجود دارد که این بی‌توجهی را باعث شده است.

چکهای ارائه شده به شعبه‌های بانک علی‌الاصول باید در مدت دو روز وصول شود ولی این بدقت و در تمامی شرایط رخ نمی‌دهد یعنی چکی که امروز برای وصول به یکی از شعبه‌های بانک ارائه می‌شود پس از طی مدت ۴۸ ساعت باید به حساب مربوط واریز شود. با این همه اگر ارائه چک به شعبه بعد از ساعت ۱۰ صبح صورت گیرد مدت مذکور به ۷۲ ساعت افزایش می‌یابد. این مدت حداقل زمان ممکن برای واریز چک به حساب است. در بسیاری

اوقات این مدت بنا به دلایلی افزایش می‌یابد. حال با فرض آنکه به طور متوسط در سال ۳۰۰ روز کاری برای سیستم بانکی پیشبینی کنیم و مدت زمان متوسط برای به حساب واریز شدن چکها را سه روز فرض کنیم همواره یک‌صدم حجم کل چکهای ارائه شده برای وصول، چکهای در جریان سیستم بانکی را تشکیل می‌دهد که این حجم چک در جریان، رقم چشمگیری است و براحتمی ممکن است در آن ارقام چند میلیاردی جابه‌جا شده باشد. در ضمن نا هماهنگی در مدت زمان وصول نیز باعث می‌شود نتوان برای این اقلام الگوی مشخصی را پیشبینی کرد.

بالا بودن زمان انتقال وجه چک از هر حساب در یک شعبه به حسابی در شعبه دیگر اگرچه معرف کارا نبودن سیستم بانکی محسوب می‌شود اما این فی‌نفسه باعث کاهش سرعت گردش پول و عاملی در جهت کاهش نرخ رشد تورم است. در عین حال این عامل باعث می‌شود همواره حجم عظیمی از پول در حال جابه‌جایی باشد این حجم عظیم باعث می‌شود چکهای صادر شده بدون پشتوانه، عملاً گم شود و بدون دسترس باشد.

از سوی دیگر اقلام بین شعبه‌ها نه تنها به دلیل طولانی بودن دوره وصول و انتقال وجه چک بلکه به دلیل وجود مغایرتهای متعدد بین حسابهای شعبه‌های مختلف بانک، رقم درخور توجهی را تشکیل داده و عملاً باعث شده است حسابهای بین شعبه‌ها ماهیت کنترل‌ناپذیری پیدا کند.

در نتیجه نه تنها در بانک صادرات کسی نمی‌تواند با کنترل اقلام باز به وجود سوءاستفاده‌های احتمالی پی ببرد بلکه در سایر بانکها هم این مسئله مصداق دارد.

راه‌حلی که برای این مسئله پیشبینی می‌شود و به ذهن می‌رسد در درجه اول حفظ سیستم کنترلهای داخلی در سطح شعبه‌هاست. لازمه این کار تجهیز بیشتر حسابرسی داخلی و یا بازرسی بانک است. یعنی در حال حاضر وظیفه اصلی

بازرسی بانکها رسیدگی موردی و پیگیری اطلاعاتی است که به مدیریت می‌رسد و از قسمت بازرسی خواسته می‌شود که آنها را پیگیری کنند. در صورتی که لازم است قسمت بازرسی این توان را بیابد که هر ساله حداقل یکبار از کلیه شعبه‌ها بازدید و کنترلهای داخلی روتین شعبه‌ها را آزمایش کند. درخور توجه است که کنترل عملیات پرداخت و یا تأیید چک بدون پشتوانه، از عملیات بسیار روتین در یک شعبه بانک محسوب می‌شود.

در مورد دوره طولانی وصول چکها باید سعی شود حتی اگر به قیمت افزایش تورم هم تمام شود سرعت گردش پول که موید کارایی بیشتر نظام بانکی است افزایش یابد. این امر باعث می‌شود که سوء جریانات، خود را سریعتر بیرون بزنند. در نتیجه علی‌الاصول می‌توان نوعی برنامه‌ریزی کرد تا چکی را که فرضاً امروز به حساب می‌گذاریم چنانچه عهده همین بانک باشد فردا وصول شود و یا آنکه چنانچه عهده بانک دیگری باشد پس فردا به حساب واریز شود و این امر امکانپذیر است. در این مورد می‌توان تجربه صدور گذرنامه در یک روز را مدنظر قرار داد در صورتی که این کار قبلاً طی یکماه صورت می‌گرفت ولی حالا کاری یکروزه است. بنابراین با انجام برنامه‌ریزی اصولی، وصول چک هر بانک طی ۲۴ ساعت و یا وصول چک بانک دیگر طی ۴۸ ساعت کاملاً امکانپذیر خواهد بود. مسئله چکهای شهرستان نیز باید به نحو مطلوبی حل شود و بانکها باید متعهد باشند که چکهای عهده بانکهای شهرستان را نیز در طی مدت معقولی به حساب واریز کنند نه آنکه این مستلزم مثلاً یکماه صرف وقت باشد.

حجم اقلام در راه بانکها هم باید کاهش یابد و با برنامه‌ای حساب شده به گونه‌ای عمل شود که هر ساله نسبت به سال قبل از این حجم کاسته شود. چنانچه این اقلام با توجه به سیستم گردش اسناد در بانک روزافزون باشد، یک چاه ویل را تشکیل خواهد داد و پوششی برای هر مسئله‌ای در بانک خواهد بود.

سرانجام کار

نتایج حاصل از این اقدامات در دو بانک مسود بحث بسیار متفاوت و دوگانه است. متهمان مسئله بانک صادرات در نهایت محاکمه و محکوم شده‌اند و مجازات تعیین شده بسیار سنگین است و در موارد مشابه، این نوع برخورد سابقه نداشته است. در مورد بانک برینگ متهم اصلی در آلمان دستگیر شده و تاکنون از تحویل وی به انگلستان و یا سنگاپور که شعبه بانک در آنجا قرار داشته خودداری شده است، بنابراین تا محاکمه و در نتیجه تعیین دقیق ماهیت اتهام فاصله بسیاری وجود دارد.

در رابطه با تاثیری که این اقدامات روی وضعیت بانک داشته نتایج حاصل نیز بسیار متفاوت بوده است. بانک برینگ چون توان انتقال منابع در حد مورد نیاز برای جبران زیانهای حاصل را نداشته به بانک مرکزی انگلستان متوسل شده و آن بانک نیز از اعطای این امکانات خودداری کرده است و بناچار بانک برینگ که قدیمیترین بانک انگلستان بوده اعلام ورشکستگی کرده است. با این اقدام بسیاری از مشتریان بانک که به دلیل اعتبار و حیثیت آن نزد آن بانک حساب افتتاح کرده بودند نتوانستند از امکانات بانک بهره‌مند شوند و بسیاری از موسسه‌های خیریه که مثلاً خانه سالمندان و یا مدارس کودکان عقب‌افتاده را اداره می‌کردند توان پرداخت هزینه‌ها را از دست داده‌اند. تا در نهایت بانک برینگ به مبلغ یک پوند انگلستان به یک بانک هلندی که تمایل داشته است از شبکه بانکی آن استفاده کند به فروش می‌رسد.

در مورد بانک صادرات چون کل مبلغ سوءاستفاده حدود نیم درصد داراییهای بانک را تشکیل می‌داد لطمه زیادی به عملکرد بانک وارد نمی‌آورد. بویژه آنکه پس از شناسایی و ضبط اموال متهمان عملاً بانک توانسته است بخش اعظم وجوه خارج شده را مجدداً تملک نماید. در این ارتباط حتی مراجع قضایی از شناسایی این امر که سوء جریان مذکور منجر به کاهش اعتبار بانک شده خودداری کرده‌اند و متهم اصلی

پرونده نیز مدعی شده است که با این اقدام توانسته وجوهی که بانک نمی‌توانسته است از آن استفاده کند را به جریان انداخته و سود حاصل نماید. در این ادعا شمه‌ای از حقیقت نهفته است و آن اینکه در شرایطی که تورم فرضاً ۴۰ درصد است اگر بانکی وام بدهد و در مقابل سود ۳۰ درصد عاید خود کند عملاً نتوانسته است با تورم مقابله کند و اگر به جای این کار و اعطای اعتبار و یا تسهیلات، مجموعه‌ای کالا خریداری می‌شد و یا به فعالیتهای مشابه دست می‌زد موفقتر بود. وجوه سوءاستفاده شده و خارج شده از سیستم بانکی هم در چنین مواردی سرمایه‌گذاری شده است که در نهایت نتوانسته است ارزش خود را حفظ کند. اصولاً چنانچه بانک بخواهد زیر نرخ تورم سود دریافت کند با این اقدام برای دریافت وام از سیستم بانکی، همه سرودست می‌شکنند و از آن بدتر این که تمامی جرایم و خسارتهای دیرکرد و غیره هم با نرخ تورم مقایسه شدنی نیست. بنابراین صرف می‌کند در سررسید از بازپرداخت وام استنکاف کنند.

همچنین سودی را که بانک به سپرده‌گذاران می‌پردازد بسیار پایین‌تر از نرخ تورم است بنابراین به گونه‌ای که بانک عمل می‌کند عملاً باعث می‌شود مردم تشویق شوند به جای سپرده کردن پس‌اندازهای خود در بانکها با آن به خرید و فروش بپردازند زیرا از این راه سود بهتری عایدشان می‌شود و عملاً با این اقدام به مقابله با تورم می‌پردازند. در مقابل، کسانی که نزد بانکها سپرده‌گذاری می‌کنند عملاً به نفع وام‌گیرندگان از بانکها متضرر می‌شوند. برای گیرندگان اعتبار از بانکها نیز صرف می‌کند که چندین درصد مبالغی را که دریافت می‌کنند هزینه نمایند تا از این اعتبارات و تسهیلات استفاده کنند بنابراین با این نحوه عملکرد، سیستم بانکی عاملی شده است که به نفع سرمایه‌گذار و استفاده‌کننده از تسهیلات و به ضرر پس‌اندازکنندگان عمل کند.

نتیجه اخلاقی

اگر بخواهیم از تجربیاتی که از این رویدادها

حاصل شده است نتیجه‌گیری بکنیم می‌توانیم حداقل از نقطه نظر حسابداری و حسابرسی به این نتیجه برسیم که سیستم کنترلهای داخلی در هر دو مورد ضعیف بوده و تضعیف شده است. با وجود این همه می‌دانند کاملترین سیستم کنترلهای داخلی به وسیله نیروی انسانی به اجرا گذارده می‌شود و چنانچه نیروی انسانی مذکور صلاحیت لازم را نداشته باشد بهترین سیستمها هم در نهایت ازهم پاشیده خواهند شد. نیروی انسانی مذکور باید هم صلاحیت علمی و هم به اصول اخلاقی پایبندی داشته باشد. مسئول شعبه سنگاپور بانک برینگ فاقد تحصیلات دانشگاهی بوده است. در مورد بانک صادرات و اصولاً کل سیستم بانکی ایران نیز مسئله‌ای که وجود دارد کمبود کارکنان کافی با تحصیلات دانشگاهی است. دارا بودن تعهد اخلاقی برای کارکنان سیستم بانکی به نحو مضاعفی عامل تعیین‌کننده‌ای است. نداشتن تعهد اخلاقی با توجه به در دسترس بودن آسان وجوه چشمگیر نقدی، بیشتر جلوه‌گر می‌شود. بعلاوه لازم است کارکنان سیستم بانکی از نظر اقتصادی در رفاه باشند تا کمتر دچار انحراف اخلاقی شوند. رفاه بیشتر کارکنان سیستم بانکی باعث می‌شود به سودآوری بانکها لطمه وارد شود مگر آنکه بانکها بتوانند به گونه‌ای عمل کنند که با کارکنان کمتر کارایی بیشتری داشته باشند. کارکنان بانکها بویژه در شعبه‌ها حجم درخور توجهی از وقت مفید خود را صرف شمارش پول و نقل و انتقال آن می‌کنند. اگر به نحو مطلوبی بتوان از چک استفاده کرد و یا نقل و انتقالات بدون لزوم حمل مقادیر زیادی پول باشد و یا آنکه اسکناسهای درشتتر براحتمال در دسترس باشد، باعث خواهد شد که بتوان در تعداد کارکنان بانکها که عملیات یکنواختی را انجام می‌دهند صرفه‌جویی کرد، در خرید ماشینهای پول‌شمار و نیز در هزینه چاپ اسکناس هم صرفه‌جویی می‌توان کرد. البته تمامی اینها مستلزم کاهش در نرخ تورم و کنترل حجم پول در گردش خواهد بود.